

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری مینین - (DMITRY MININ)

برگردان: ا. م. شیر

۱۹ اپریل ۲۰۲۴

اضمحلال توانائی اسرائیل در حمله به تأسیسات هسته‌ئی ایران



پیروزی تاکتیکی «پیریک» [رقص جنگی] و شکست ستراتیژیک ارتش اسرائیل

- رفقاء، دوستان و همراهان میهن دوست، در این مقاله با تاکتیک فوق العاده جالب توجه ایران در پاسخ به حمله بزدلانه رژیم جهودی به کنسولگری ایران در دمشق آشنا می شوید. لطفاً، به دقت مورد ملاحظه قرار دهید! - شیر

هنگامی که اسرائیل در اوایل اپریل بدون هیچ دلیل مشخصی به مجتمع سفارت ایران در دمشق حمله کرد و چندین جنرال ایرانی را کشت، از نظر بسیاری از کارشناسان به مثابه جرقه جنگی بزرگ در خاورمیانه بود. بنابراین، نتایج با تحریک یک حمله تلافی جویانه گریزناپذیر، می تواند روی شکستن بن بست در روابط با امریکا و کشاندن آن به سمت درگیری ها در جانب خود حساب کند. در این مسیر احتمالاً قرار بود با تخریب کامل تأسیسات هسته‌ئی ایران با کمک امریکائی ها مشکل هسته‌ئی آن را که باعث آزار اسرائیل شده، یکبار حل کند. شاید در داخل هیاهوی بیرون راندن فلسطینی های باریکه غزه، «بستن» بی سر و صدای موضوع ممکن بود، زیرا، در پس زمینه یک جنگ بزرگ، هیچ کسی متوجه آن نمی شد.

با این حال، پاسخ مورد انتظار ایران به سبک ایرانی پرشور و چندلایه بود و همه پیامدهای آن هنوز ارزیابی نشده است. بنابراین، صرف نظر از ادعاهای متکبرانانه مبنی بر ساقط کردن ۹۹ درصد از پهپادها و راکت های شلیک شده، طراحان و جنرال های اسرائیلی چیزی برای فکر کردن دارند. در ابتداء ارتش اسرائیل به طور کلی اعلام کرد که تمام پهپادها و راکت های دشمن را که به حریم هوائی این کشور نزدیک شده بودند، ساقط کرده است. اما پس از آن تصاویر

متعددی دال بر این که حداقل ۱۲ راکت ایرانی بر فراز کنیست در اورشلیم پرواز می‌کند، منتشر شد. ظاهراً «اصابت» به آنجا در وظایف برنامه‌ریزی‌شده آن‌ها گنجانده نشده بود. اما پدافند شهر کاملاً شکسته شد.

تحلیل و بررسی دقیق عملیات «وعده صادق» ایران موضوع زمان است. با این حال، این واقعیت که امریکا و دیگر کشورهای غربی با عجله اسرائیل را متقاعد کردند که به همان ترتیب با شلیک‌های متعدد به خاک ایران پاسخ ندهد، معانی زیادی دارد. حتی واشنگتن از طریق بایدن، اعلام کرد که در هیچ حمله ادعائی ارتش اسرائیل علیه ایران شرکت نخواهد کرد و این فقط به مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری مربوط نیست. حتی یک «جنگ کوچک پیروزمندانه» می‌تواند به رئیس فعلی کاخ سفید کمک کند. اما احتمالاً نه فقط این، بلکه یک مورد بزرگ با یک نتیجه نامعلوم مورد انتظار است. البته، هدف تهران وارد کردن حداکثر خسارت به دشمن نبود. بلکه نشان دادن توانایی‌های خود برای انجام این کار بود.

اکثریت قریب به اتفاق پهبادهای و راکت‌هایی که از داخل ایران و از کشورهای مختلف- از عراق تا یمن در ۴ تا ۵ موج، بر اساس تخمین‌های مختلف، از ۳۰۰ تا ۵۰۰ به سراسر اسرائیل شلیک شد، دارای کلاهک جنگی نبودند، بلکه حاوی سوخت اضافی برای طی فاصله هزار کیلومتری و ابزار ثابت عملکرد دستگاه دفاع هوایی-راکتی اسرائیل بودند. و آن‌ها را از بسیاری جهات «کشف» و پارامترها و فرکانس‌ها را مشخص کردند، پنجره‌های نفوذ را شناسایی کردند که در ۷ مرحله، طبق برخی داده‌ها، در ۹ مرحله، به گفته برخی دیگر، راکت‌های مافوق صوت فتاح-۲ شلیک شد و به تعداد معدود اهداف از پیش تعیین‌شده، از جمله، به مرکز اصلی اطلاعات فنی ارتش اسرائیل در جولان و دو پایگاه هوایی در صحرائی نقب - رامون و نواتیم، که هواپیماهای مهاجم به سفارت ایران در دمشق از آنجا پرواز کردند، آزادانه اصابت کرد. تهران وجود چنین تسلیحاتی را در پایان سال گذشته اعلام کرد و اکنون پس از روسیه دومین کشور در جهان است که آن‌ها را در نبرد واقعی با موفقیت آزمایش می‌کند.

در ضمن، ایران درست یک روز قبل از این عملیات، با انجام بزرگترین حمله سایبری علیه اسرائیل، برق خود دستگاه راداری و کلانشهر تل ابیب را به طور موقت قطع کرد که عموماً ترجیح می‌دهند در مورد آن اظهار نظر نکنند. براحتی می‌توان تصور کرد که اگر هر دوی این رویدادها همزمان انجام می‌شدند و همه هواپیماهای تهران به کلاهک‌های واقعی تجهیز می‌شدند، این حمله چقدر می‌توانست قدرتمند باشد. اما ایران تا کنون به چنین کاری دست نزده و ظاهراً هم نمی‌خواهد وارد یک جنگ بزرگ شود.

بدیهی است که نگرانی خاص رهبری اسرائیل باید این واقعیت باشد که علاوه بر از دست دادن توانائی حملات دوربرد به دشمن سرسخت خود، در واقع، از دست دادن فرصت حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و باج‌گیری از آن را نیز از دست داد.

چنین وضعیتی ظاهراً به برکت حمله ویژه ایران به دو پایگاه هوایی «رامون» و «نواتیم» ارتش اسرائیل واقع در نزدیکی مرکز اصلی هسته‌ای «دیمونا»ی اسرائیل پدید آمد. در اینجا، احتمالاً نه تنها تسلیحات اتمی این کشور توسعه یافته، بلکه انبار اصلی آن‌ها نیز قرار دارد. قرار است شلیک آن‌ها در مواقع اضطراری از همین پایگاه‌های هوایی انجام شود. آن‌ها همراه با نیروی هوایی و دفاع هوایی-راکتی به عنوان نگهبانان اصلی دیمونا، بیشترین دفاع از تأسیسات اسرائیل را به عهده دارند و اگر «دست» ایران به آن‌ها رسیده، به این معنی است که می‌تواند به «دیمونا» نیز برسد. این همان چیزی است که اسرائیلی‌ها تا همین اواخر حتی تصورش را هم نمی‌کردند. این که راکت‌های ایرانی با دقت شگفت‌انگیزی به باند فرودگاه اصابت کردند و نه به بخش خدمات فنی پایگاه‌های هوایی، ظاهراً عمدی بوده است.

ایرانی‌ها با ساخت چاله‌های مخروطی از بتن قوی و ضخیم که از جمله برای حفاظت از هواپیماهای باری فوق‌سنگین و بمبافکن‌های ستراتیژیک امریکا در نظر گرفته شده، نشان دادند که به همین راحتی می‌توانند از خطوط دفاعی راکتور دیمونا، شاید حتی از سقف تأسیسات ذخیره‌سازی هسته‌ای عبور کنند.

این واقعیت که تأسیسات هسته‌ای جدید ایران در سراسر کشور پراکنده و در زیر سنگلاخ‌ها پنهان شده‌اند، وضعیت اسرائیل را بدتر می‌کند. ضربه زدن ارتش اسرائیل به آن‌ها، به خصوص بدون حمایت امریکائی‌هایی که چنین «اقتخاری» را قبل از رسیدن دوباره دست تهران به یک نقطه در دیمونا عجولانه کنار گذاشتند، بسیار دشوارتر است. برای این که اسرائیل در چنین شرایطی جرأت حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران داشته باشد (متأسفانه، نمی‌توان قطعاً منتفی دانست)، باید عقل خود را کاملاً از دست داده بدهد. این به قیمت همه صدها هواپیمای بدون سرنشین و راکت دیگر که «برای ساقط کردن آن‌ها فرستاده شدند»، تمام شد. گامی معمول در بازی شطرنج ایرانی-کیش و مات!

این که تهران کاملاً راضی است و می‌گوید در مجموع پیروز است، اصلاً بیجا نیست، هر چند به خاطر قتل جنرال‌هایش جان یک نفر را هم نگرفت. این تاکتیک فقط تأکید می‌کند که نفع ایران، و دستاورد قابل توجه آن در یک جای دیگر است. علاوه بر فراشکافت دستگاه دفاع هوایی-راکتی اسرائیل و مطالعه دقیق آن در عمل، همچنین هزینه بیش از حد راکت‌های ضد هوایی به ارزش تا یک میلیارد دلار، در حد قابل توجهی بیشتر از قیمت پهپادهای انبوه سرنگون شده است.

حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران پیشتر اعلام کرده بود که حملات تلافی‌جویانه اخیر این کشور علیه رژیم اسرائیل می‌تواند گسترده‌تر باشد. او در صحبت تلفونی با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، با بیان این که ایران به دلیل امتناع شورای امنیت سازمان ملل از محکوم کردن حمله اسرائیل به سفارت ایران در دمشق، چاره دیگری نداشت، حتی به نوعی به وی «تازبان» زد. او همچنین از اسرائیلی‌ها خواست تا زنجیره تشدید تنش را در همین جا متوقف کنند. علی باقری، معاون او نیز اظهار داشت: «آن‌ها باید بدانند که این بار فرصت ۱۲ روزه نخواهند داشت. پاسخ به آن‌ها را نمی‌توان با روز یا ساعت اندازم‌گیری کرد، بلکه در عرض ثانیه‌ها داده خواهد شد».

اکنون نوبت اسرائیل است. سناریوی جنگ پان‌غربی علیه ایران، علی‌رغم همه اعلام همبستگی‌ها با اسرائیلی‌ها و کمک‌های وعده داده شده، به نظر می‌رسد در حال رنگ باختن است. انجام عملیات نظامی در مقیاس بزرگ به تنهایی علیه ایران نیز یک ایده بشدت مشکوک است. اما نتانیا‌هو به هیچ‌وجه نمی‌تواند واکنش نشان ندهد. اردوگاه راست، به نمایندگی از سیاستمدارانی مانند بن‌گوریر، خشمگین است و خواهان «حمله خردکننده» به ایران است. اکثر تحلیل‌گران بر این باورند که به احتمال زیاد، نخست وزیر اسرائیل به نوعی به «اقدامات نامتقارن» در حوزه‌های ثانویه متوسل خواهد شد. اما آیا تهران هم آن‌ها را تحمل خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد که خطر یک جنگ بزرگ در خاورمیانه همچنان بسیار واقعی است.

مأخذ: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۳۰ فروردین- حمل ۱۴۰۳